

۴

دلبر و یار من تویی رونق کار من تویی
باغ و بهار من تویی بهر تو بود بود من

۵

خواب شبم ربوده‌ای مونس من تو بوده‌ای
درد توام نموده‌ای غیر تو نیست سود من

۶

جان من و جهان من زهره آسمان من
آتش تو نشان من در دل همچو عود من

۷

جسم نبود و جان بدم با تو بر آسمان بدم
هیچ نبود در میان گفت من و شنود من

